

نیمرخ روانشناختی خانواده‌های کودکان محبوب و غیر محبوب

وجیهه ایزدی^۱، نادره شگفتی سهرابی*^۲، محمد خیر^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۶/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۴/۰۵

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، تبیین تفاوت فرآیند و محتوای خانواده کودکان محبوب و غیر محبوب ۴ تا ۶ ساله‌ی شهر شیراز بود. گروه نمونه را ۱۸۷ نفر از کودکان ۴ تا ۶ ساله‌ی مشغول به تحصیل شهر شیراز در سال تحصیلی ۹۰-۹۱ تشکیل می‌دادند. ملاک محبوب یا غیر محبوب بودن کودکان، بر اساس اتفاق نظر معلم، مربی و مدیر مهدکودک در مورد هر یک از آنان بود. برای سنجش بافت و محتوای خانواده، از مقیاس بافت و محتوای خانواده‌ی سامانی استفاده شد. پایایی و روایی ابزار توسط سازنده‌ی آن احراز گردیده بود. پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش آماری آزمون تی، مشخص شد که کودکان محبوب و غیر محبوب، در تمام ابعاد فرآیند و محتوای خانواده با یکدیگر تفاوت معنی‌داری دارند و کودکان محبوب، در مقایسه با کودکان غیر محبوب دارای بافت و محتوای خانواده سالم‌تری هستند.

واژه‌های کلیدی: بافت و محتوای خانواده، محبوب، غیر محبوب.

۱- کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

۲- استادیار بخش روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

۳- استاد بخش روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

* نویسنده‌ی مسئول مقاله، sohrabi_sh2006@yahoo.com

مقدمه

بدون شک، یکی از مهم‌ترین و موثرترین دوران زندگی هر شخصی، دوران کودکی وی می‌باشد. دورانی که در آن شخصیت فرد پایه‌ریزی شده و شکل می‌گیرد. رابطه‌ی هر فرد با سایر افراد اجتماع، قسمت مهمی از زندگی او را تشکیل می‌دهد. رشد انسان در محیطی اجتماعی صورت گرفته و هر فرد عضو گروه‌های اجتماعی مختلفی نظیر خانواده، مدرسه و غیره است. موقعیت افراد در گروه‌های مختلف می‌تواند تاثیر قابل توجهی بر رفتار آنها داشته باشد.

همه‌ی کودکان و نوجوانان، از محبوبیت یکسانی در روابط اجتماعی برخوردار نیستند. گاهی بعضی از آنها منزوی و از شبکه اجتماعی مطرود می‌شوند و در مقابل برخی دیگر می‌توانند با همسالان و بزرگسالان رابطه‌ی مثبتی برقرار کرده و محبوبیت خوبی کسب نمایند. در مدرسه و کلاس درس نیز دانش‌آموزانی وجود دارند که بیشتر از دیگران از طرف همسالان، برای فعالیت‌هایی نظیر بازی، درس خواندن، صحبت کردن و دیگر فعالیت‌های مشترک انتخاب می‌شوند. از طرف دیگر دانش‌آموزانی نیز وجود دارند که منزوی بوده و همسالان تمایلی به انتخاب آنها برای انجام یک فعالیت مشترک ندارند.

طبق نظریه‌ی سیستمی، کودک به‌عنوان عنصری از عناصر خانواده، تحت تاثیر کارکردهای خانوادگی، نگرش، طبقه اجتماعی - اقتصادی، تحصیلات و شغل پدر و مادر قرار دارد (احدی و همکاران، ۱۳۸۸). این عوامل بر رشد کودک تاثیر گذاشته و به شکل‌دهی عقاید درباره‌ی خود، دیگران و ارتباط‌های فرد منجر می‌شوند. همچنین، مجموعه‌ای از کنش‌ها را برای روابط بین شخصی سالم یا ناسالم بیرون از خانواده، برای کودک فراهم می‌کنند (باکاروزی،^۱ ۱۹۹۹، به نقل از لارسون،^۲ ۲۰۰۰).

تحقیقات جدید نمایانگر این نکته هستند که بین رفتار والدین و تفاوت‌های فردی کودکان برای حصول پذیرش اجتماعی، ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. به طوری که انضباط محدود کننده، دشوار و مستبدانه با پرخاشگری کودکان، ارتباطی تنگاتنگ دارد و می‌تواند به طرد کودک از گروه همسالان بیانجامد (کلاین و وایت^۳، ۱۹۹۶). به عبارتی اینگونه رفتار ناکارآمد اجتماعی با همسالان، از الگوی رفتاری مستبدانه والدین ناشی می‌شود.

گروه دیگری از پژوهشگران دریافته اند که رفتار کودکان خردسال در سال‌های مهدکودک، به کیفیت یا امنیت دلبستگی و رفتار کودکان شیرخواره و نوپا به مراقبان اولیه‌شان (مادر) ارتباط دارد.

1 - Backaroz & Anderson.

2- Larson .

3- Clein & White.

به‌طوری که کودکان نوپایی که در دوران دلبستگی، احساس نا امنی می‌کرده‌اند، احتمالاً از نظر پذیرش، نزدیکی یا راحتی، از سوی مادر یا مراقبانشان با مشکلاتی روبرو بوده‌اند (اریکسون و همکاران^۱، ۱۹۸۵؛ گرین برگ و همکاران^۲، ۱۹۹۲). کودکان شیرخواره و نوپا، بر اساس تجربیات راحت و آسوده بودن، راهبردهای «خودآرام بخشی» را یاد می‌گیرند. آن گروه از کودکانی که در دوره‌ی رابطه‌ی دلبستگی کمک نشده‌اند که عواطف خود را تنظیم کنند، احتمال دارد که مشکلات رفتاری بیشتری داشته باشند. زیرا آنها قادر نبوده‌اند که روش‌های موثر مهار محرک‌ها و عواطف را یاد بگیرند. تحقیقات نشان داده است که کیفیت یا امنیت دلبستگی با کیفیت تعامل‌های اولیه‌ی کودک با مراقبش (مادر) و عدم حساسیت والدین ارتباط دارد. از دیدگاه نظریه‌ی دلبستگی، کیفیت روابط دلبستگی اولیه باید بتواند توان کودکان مهد کودکی را در بازی همکارانه، محبوبیت کلی آنها را در گروه همسالان و توانایی آنها را در حفظ دوستی با کودکانی خاص، پیش‌بینی نماید (کوی و دوچ^۳، ۱۹۹۸؛ روبین و همکاران^۴، ۲۰۰۵).

طبق مدل فرآیند و محتوای خانواده، فرآیند خانواده قابل آموزش است. نتایج تحقیقات نشان داده که حل مساله، مهارت‌های ارتباطی، ابراز وجود، راهبردهای مقابله‌ای و ... قابل تجویز و آموزش هستند. با توجه به این نتایج آموزش، سطوح کیفی فرآیندهای خانواده را افزایش داده و در نهایت، سطوح کیفی بالای فرآیند، باعث سازگاری و انطباق بهتر خانواده می‌شود. سومین ویژگی فرآیند خانواده، وابستگی به بافت است. این ویژگی به معنای آن است که تفاوت‌هایی در فراوانی استفاده و همچنین اهمیت فرآیند خانواده، در بافت‌های متفاوت وجود دارد. نتایج تحقیقات آشکار کرده که سبک‌های مهارت‌های ارتباطی در بافت‌های جمع‌گرا، ارتباط مدار بوده و در مقابل در زمینه‌های فردگرا، تکلیف مدار است (بارگون و هال ۱۹۸۷، به نقل از سامانی، ۲۰۰۵).

در مورد وابستگی بافتی، دو سطح تفاوت در خانواده‌ها در زمینه‌ی فرآیند خانواده وجود دارد: تفاوت‌های خانوادگی درون‌بافتی و تفاوت‌های خانوادگی برون‌بافتی. تفاوت‌های خانوادگی برون‌بافتی اشاره به تفاوت‌های خانوادگی، بر اساس مطالعات برون فرهنگی است. برای مثال تفاوت بین خانواده‌های ایرانی و کانادایی از تفاوت‌های برون بافتی است. تفاوت‌های خانوادگی درون‌بافتی، اشاره به تفاوت‌های خانوادگی درون بافتی معین دارد. برای مثال تفاوت میان خانواده‌های ایرانی به عنوان تفاوت درون بافتی است.

-
- 1- Erickson et al.
 - 2- Greanburg et al.
 - 3- Coie & dodge.
 - 4- Rubin et al.

محتوای خانواده اشاره به عواملی مانند سطوح کیفی بهداشت (جسمانی و روانی)، شغل، درآمد، جنسیت، نژاد، حضور و عدم حضور والدین، سطح تحصیلی، محل اقامت، تعداد اعضای خانواده و زمان ارتباط اعضای خانواده و... دارد. مهم ترین این عوامل، عوامل جمعیت شناختی است. بعضی از این محتواها ثابت و بعضی تغییر پذیرند. برای مثال جنسیت و نژاد، عوامل ثابت و سطح تحصیلی، درآمد و سلامت، عواملی تغییر پذیرند. محتوای خانواده داری دو ویژگی ۱- وابستگی به بافت و ۲- سطح تغییر پذیری است.

وابستگی به بافت اشاره به سطح اهمیت محتوای خانواده در جوامع یا موقعیت های متفاوت دارد. برای مثال سطح تحصیلات برای جوانان ایرانی، یک ملاک مهم در انتخاب همسر است؛ اما برای یک فرد آمریکایی شاید عشق و دوست داشتن ملاک مهم تری باشد. به عبارت دیگر اهمیت محتوای خانواده از بافتی به بافت دیگر متفاوت است. همچنین ممکن است تفاوت هایی میان خانواده های یک بافت معین نیز دیده شود. ویژگی دوم محتوای خانواده سطح تغییر پذیری است. جنس و نژاد، محتواهای ثابت خانواده هستند؛ اما سطح تحصیلات، شغل، درآمد و محل اقامت در طی زمان تغییر می کنند. تاثیر محتوای خانواده بر روی عملکرد خانواده یا به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم است. نتایج تحقیقات نشان می دهد که محتوای خانواده تاثیرات مستقیمی بر روی سطح بهداشت روانی، رضایت از زندگی، تعارضات خانوادگی و انتخاب دارد.

طبق مدل محتوا و فرآیند خانواده، بین فرآیند و محتوای خانواده رابطه ای دو جانبه وجود دارد. آن گونه که مطالعات نشان داده اند، جایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده، تاثیرگذارترین متغیر بر کیفیت توانایی هوشی به عنوان یک فرآیند خانواده است. همچنین نتایج تحقیقات نشان داده که مشارکت و حمایت خانواده به عنوان فرآیند خانواده یک متغیر تاثیرگذار بر انگیزش تحصیلی است (سامانی، ۲۰۰۵؛ ۲۰۰۸).

خانواده های سالم، فرآیندهای موثری برای تعدیل خود و سازماندهی پتانسیل هایشان در جهت عملکرد موثر در شرایط مختلف را دارند. آنها همچنین محتواهای رضایت بخشی همانند شغل مناسب، درآمد کافی، آموزش خوب، سلامتی مناسب و مکان مناسب زندگی و... را دارا هستند. خانواده های سالم همانند یک سیستم تاثیر زیادی بر تربیت کودکان، ارتباط مقابله با شرایط استرس زا، حل مشکلات، کسب درآمد، رضایت شخص از دیگران، تصمیم گیری و همانند آن دارند (سامانی و صادق زاده، ۲۰۱۰). فرزندان چنین خانواده هایی، سطح بالایی از سلامت ذهنی (سامانی و عبدالله زاده، ۲۰۰۹)، انگیزش تحصیلی (صالحی، ۱۳۸۸)، موفقیت در پیشرفت تحصیلی (جعفری، ۱۳۸۸) و مهارت های موثر ارتباطی (بهبهانی، ۱۳۸۸) را دارا هستند (به نقل از سامانی، ۲۰۱۰).

در مقابل خانواده‌های ناسالم نه از فرآیندهای مناسبی برخوردار هستند و نه محتوای خانوادگی رضایت بخش برای حل مشکلات دارند؛ همین باعث می‌شود که آنها شانس کافی برای گسترش پردازش مهارت‌ها در طول زندگی نداشته باشند. همچنین آنها محتوای کافی برای دستیابی به نیازهای اساسی‌شان را نیز دارا نیستند (سامانی و صادق زاده، ۲۰۱۰). فرزندان که در این خانواده‌ها رشد می‌کنند، سطح پایینی از پیشرفت تحصیلی (جعفری، ۲۰۰۹)، سلامت ذهنی (سامانی، ۲۰۰۲) و انگیزش تحصیلی (صالحی، ۲۰۰۹) را نشان می‌دهند (سامانی، ۲۰۱۰).

خانواده‌های مشکل‌دار اگرچه فرآیند یا محتوای رضایت‌بخش دارند؛ ولی تحقیق صالحی (۲۰۰۹) نشان داده است که خانواده‌های مشکل‌داری که فرآیندهای ضعیفی دارند، دارای سطح پایینی از انگیزش هستند. همچنین تحقیق جعفری (۱۳۸۸) نیز مشخص نموده آنهايي که از سطح پایین محتوای خانواده رنج می‌برند، دارای پیشرفت تحصیلی پایینی بودند (سامانی، ۲۰۱۰).

هدف از پژوهش حاضر، تبیین تفاوت فرآیند و محتوای خانواده کودکان محبوب و غیر محبوب ۴ تا ۶ ساله‌ی شهر شیراز می‌باشد. در این پژوهش فرض بر این است که تفاوت معنی‌داری میان فرآیند و محتوای خانواده‌ی کودکان محبوب و غیر محبوب وجود دارد.

روش

این پژوهش، از نوع علی-مقایسه‌ای است. برای آزمون فرضیه‌ی پژوهش، علاوه بر استفاده از آمار توصیفی، از روش آماری *t-test* با تصحیح بنفرونی استفاده گردید. جامعه‌ی آماری، شامل تمامی کودکان ۴-۶ ساله‌ی شهر شیراز بود که در سال تحصیلی ۹۱-۹۰ در مهد کودک‌های این شهر مشغول به تحصیل بودند. برای جمع‌آوری گروه نمونه در این مطالعه، از بین مهد کودک‌های شهر شیراز تعداد ۱۰ مهد کودک از طریق روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. به این صورت که ابتدا از بین چهار ناحیه‌ی آموزش و پرورش شهر شیراز دو ناحیه به‌طور تصادفی انتخاب شد. سپس از هر ناحیه پنج مهد کودک انتخاب گردیده و تمامی کودکان ۴-۶ ساله مورد مطالعه قرار گرفتند. پرسشنامه‌ی محقق ساخته در اختیار مربی هر کلاس ۴-۵ و ۵-۶ ساله، مدیر آموزشی و مدیر داخلی مهد کودک قرار داده شده و از آنها خواسته شد که کودکان را بر اساس محبوبیت‌شان رتبه‌بندی نمایند. سپس از بین سه لیست به‌دست آمده، کسانی که در سه فرم مربی، مدیر و مشاور در رتبه ۱ تا ۵ مشترک بودند را به‌عنوان کودکان محبوب و کسانی که در رتبه‌بندی مربی، مدیر داخلی و مدیر آموزشی، به‌صورت مشترک در ۵ رتبه آخر قرار داشتند را به‌عنوان کودکان غیرمحبوب انتخاب شدند. تعداد گروه نمونه ۲۰۰ نفر بود که در نهایت به ۱۸۷ نفر کاهش یافت.

گروه نمونه	دختر	پسر	تعداد کل
محبوب	۱۳	۸	۲۱
	۵۴	۲۷	۸۱
	۳۱	۵	۳۶
غیر محبوب	۱۶	۲۱	۳۷
	۳۳	۶۴	۹۷
	۲۱	۶۴	۸۵

به منظور گردآوری اطلاعات، از دو مقیاس خودگزارشی فرآیند خانواده و مقیاس خودگزارشی محتوای خانواده، استفاده گردید.

الف) مقیاس خودگزارشی فرآیند خانواده:

این مقیاس توسط سامانی (۱۳۸۶) تهیه و طراحی شده است. این مقیاس شامل ۴۳ سوال مندرج پنج نمره‌ای لیکرت می‌باشد (کاملاً موافقم=۵ تا کاملاً مخالفم=۱). سوالاتی که نمره‌گذاری معکوس دارند، عبارتند از: ۱.۵.۷.۸.۲۰.۲۸.۲۹.۳۰.۳۱.۳۲.۳۳.۳۴.۳۵.۳۶.۳۷.۴۰

خرده‌مقیاس‌های فرآیند خانواده شامل مهارت تصمیم‌گیری و حل مساله، انسجام و احترام متقابل، مهارت ارتباطی، مهارت مقابله و باور مذهبی است. این مقیاس به منظور ارزیابی از میزان توانمندی خانواده در کنش‌های خانوادگی است. مطابق مدل فرآیند و محتوای خانواده، فرآیندهای خانوادگی کنش‌هایی هستند که خانواده را در مواجهه با شرایط یا نیازهای جدید در راستای حفظ تعادل یا انطباق با شرایط جدید یاری می‌دهند. مقیاس فرآیندهای خانواده علاوه بر ارزیابی کنش‌های خانوادگی، یکی از محورهای تشخیص سطح سلامت خانواده در مدل فرآیند و محتوای خانواده به حساب می‌آید.

اعتبار و همسانی درونی: جدول زیر نشانگر ضریب اعتبار و ضریب همسانی درونی برای هر یک از خرده‌مقیاس‌های موجود در مقیاس فرآیندهای خانواده است. همچنین این جدول، شماره سوالات هر خرده‌مقیاس را نیز نشان می‌دهد.

خرده‌مقیاس	ضریب بازآزمایی	ضریب آلفا	شماره سوالات
تصمیم‌گیری و حل مساله	۰/۸۵	۰/۸۹	۳۷ تا ۲۸
مهارت مقابله	۰/۷۳	۰/۸۷	۱۶ تا ۲۷
انسجام و احترام متقابل	۰/۷۳	۰/۸۳	۱۵ تا ۹.۴.۲
مهارت ارتباطی	۰/۷۱	۰/۸۴	۸ تا ۳ و ۱
باور مذهبی	۰/۸۷	۰/۸۱	۴۳ تا ۳۸

ضریب پایایی، به شیوه‌ی آزمون و بازآزمایی با فاصله زمانی دو هفته و ضریب آلفا برای این آزمون، به ترتیب ۰/۸۰ و ۰/۸۵ گزارش شده است. روایی سازه‌ی این مقیاس توسط سامانی (۱۳۸۷) به شیوه‌ی تحلیل عاملی مورد بررسی قرار گرفته است.

ب) مقیاس خودگزارشی محتوای خانواده:

این مقیاس توسط سامانی (۲۰۰۸) و مبتنی بر مدل فرآیند و محتوای خانواده، تهیه و طراحی شده است. این مقیاس شامل ۳۸ سوال مندرج ۵ نمره‌ای می‌باشد (کاملاً موافقم=۵، موافقم=۴، نظری ندارم=۳، مخالفم=۲ و کاملاً مخالفم=۱). سوالات دارای نمره‌گذاری معکوس عبارتند از:

۱.۳.۴.۵.۶.۷.۸.۹.۱۰.۱۱.۱۲.۱۸.۲۰.۲۱.۲۲.۲۳.۲۵.۲۷.۲۸.۳۱.۳۲.۳۳.۳۷.۳۸

خرده‌مقیاس‌های محتوای خانواده شامل شغل و تحصیلات، زمان با هم بودن، منابع مالی، ظاهر بدنی و منزلت اجتماعی، سلامت جسمی و روانی، کیفیت مکان زندگی و تسهیلات آموزشی است.

خرده مقیاس	ضریب بازآزمایی	ضریب آلفا	شماره سوالات
شغل و تحصیلات	۰/۸۳	۰/۸۶	۲۰ تا ۲۴ و ۲۸
زمان برای با هم بودن	۰/۷۷	۰/۸۸	۶ تا ۹، ۱۱ و ۱۲
منابع مالی	۰/۷۸	۰/۷۶	۱ تا ۵
ظاهر بدنی و منزلت اجتماعی	۰/۸۲	۰/۸۳	۱۳ تا ۱۶ و ۱۸ و ۱۹
سلامت جسمی و روانی	۰/۷۲	۰/۷۹	۳۴ تا ۳۸
فضای زندگی	۰/۷۹	۰/۷۹	۳۱ تا ۳۳
تسهیلات تحصیلی	۰/۸۲	۰/۸۵	۲۵ تا ۲۷

اعتبار و همسانی درونی:

ضریب پایایی به شیوه‌ی آزمون و بازآزمایی با فاصله‌ی زمانی دو هفته و ضریب آلفا برای این آزمون، به ترتیب ۰/۷۸ و ۰/۷۹ گزارش شده است. روایی سازه‌ی این مقیاس توسط سامانی و صادق زاده (۲۰۱۰) مورد ارزیابی قرار گرفته است.

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، از روش آماری آزمون تی با تصحیح بنفرونی استفاده گردید. به منظور رعایت موازین اخلاقی در این پژوهش، از پرسش در مورد مسائل خصوصی آزمودنی‌ها خودداری گردیده و بر محرمانه بودن اطلاعات کسب شده تاکید شد.

یافته‌های پژوهش

در این بخش، ابتدا به ارائه‌ی شاخص‌های توصیفی (میانگین و انحراف معیار) متغیرهای مورد مطالعه پرداخته شده و سپس با استفاده از آزمون t ابعاد فرآیند و محتوای خانواده‌ی کودکان محبوب و غیر محبوب مورد مقایسه قرار خواهند گرفت.

جدول ۲، میانگین و انحراف معیار متغیرهای مورد پژوهش را نشان می دهد.

جدول ۲ - میانگین و انحراف معیار متغیرهای مورد مطالعه

انحراف معیار	میانگین	گروه	متغیر وابسته		
۰/۱۵	۲/۹۳	غیر محبوب (N=۸۵)	زمانی برای با هم بودن	محتوای خانواده	
۰/۲۰	۲/۷۴	محبوب (N=۱۰۲)			
۰/۱۶	۲/۳۵	غیر محبوب (N=۸۵)	منابع مالی		
۰/۰۰	۴/۰۰	محبوب (N=۱۰۲)			
۰/۱۲	۲/۱۸	غیر محبوب (N=۸۵)	ظاهر بدنی		
۰/۲۱	۳/۵۶	محبوب (N=۱۰۲)			
۰/۴۰	۲/۳۴	غیر محبوب (N=۸۵)	سلامت جسمی و روانی		
۰/۲۸	۴/۳۹	محبوب (N=۱۰۲)			
۰/۲۴	۱/۹۸	غیر محبوب (N=۸۵)	فضای زندگی		
۰/۲۹	۳/۶۳	محبوب (N=۱۰۲)			
۰/۹۴	۲/۲۹	غیر محبوب (N=۸۵)	تسهیلات تحصیلی		
۰/۱۶	۴/۷۷	محبوب (N=۱۰۲)			
۰/۲۸	۱/۷۸	غیر محبوب (N=۸۵)	تصمیم گیری و حل مساله		فرایند خانواده
۰/۱۷	۴/۳۸	محبوب (N=۱۰۲)			
۰/۱۳	۲/۲۸	غیر محبوب (N=۸۵)	مهارت مقابله		
۰/۱۷	۴/۱۷	محبوب (N=۱۰۲)			
۰/۱۲	۱/۹۱	غیر محبوب (N=۸۵)	انسجام و احترام متقابل		
۰/۱۵	۴/۲۷	محبوب (N=۱۰۲)			
۰/۷۵	۱/۹۶	غیر محبوب (N=۸۵)	مهارت های ارتباطی		
۰/۱۶	۳/۹۴	محبوب (N=۱۰۲)			
۰/۰۷	۲/۳۰	غیر محبوب (N=۸۵)	باور مذهبی		
۰/۰۸	۳/۵۹	محبوب (N=۱۰۲)			

در جدول ۳، همبستگی تک تک متغیرهای پژوهش با هم محاسبه و ارائه می‌گردد.

جدول ۳- ماتریس همبستگی متغیرهای مورد مطالعه

تسهیلات تحصیلی	فضای زندگی	سلامت جسمی و روانی	ظاهر بدنی و منزلت اجتماعی	منابع مالی	زمانی برای با هم بودن	شغل و تحصیلات	باور مذهبی	مهارت ارتباطی	انسجام و احترام متقابل	مهارت مقابله	تصمیم‌گیری و حل مسأله	تصمیم‌گیری و حل مسأله	آلفای کورنباخ
											۱	تصمیم‌گیری و حل مسأله	۰/۹۹
										۱	**۰/۹۸	مهارت مقابله	۰/۹۴
									۱	**۰/۹۹	*۰/۹۹	انسجام و احترام متقابل	۰/۹۸
								۱	**۰/۹۲	**۰/۹۱	**۰/۹۲	مهارت ارتباطی	۰/۹۰
							۱	**۰/۸۶	**۰/۹۹	**۰/۹۸	**۰/۹۸	باور مذهبی	۰/۸۱
						۱	**۰/۹۲	**۰/۹۸	**۰/۹۷	**۰/۹۶	**۰/۹۵	شغل و تحصیلات	۰/۷۶

					۱	**۰/۴۹	**۰/۴۵	**۰/۴۲	**۰/۴۷	**۰/۴۳	**۰/۳۹	زمانی برای با هم بودن	۰/۳۰
				۱	**۰/۴۷	**۰/۹۵	**۰/۹۸	**۰/۹۳	**۰/۹۹	**۰/۹۸	**۰/۹۹	منابع مالی	۰/۴۸
			۱	**۰/۹۶	**۰/۴۲	**۰/۹۰	**۰/۹۹	**۰/۸۳	**۰/۹۷	**۰/۹۵	**۰/۹۷	ظاهر بدنی و منزلت اجتماعی	۰/۴۹
		۱	**۰/۹۲	**۰/۹۷	**۰/۳۲	**۰/۹۷	**۰/۹۴	**۰/۹۷	**۰/۹۷	**۰/۹۷	**۰/۹۸	سلامت جسمی و روانی	۰/۹۳
	۱	**۰/۹۷	**۰/۹۴	**۰/۹۵	**۰/۴۲	**۰/۹۸	**۰/۹۶	**۰/۹۳	**۰/۹۸	**۰/۹۸	**۰/۹۶	فضای زندگی	۰/۶۵
۱	**۰/۹۲	**۰/۹۷	**۰/۸۳	**۰/۹۴	**۰/۴۲	**۰/۹۷	**۰/۸۶	**۰/۹۹	**۰/۹۲	**۰/۹۱	**۰/۹۳	تسهیلات تحصیلی	۰/۹۲

در جدول ۴ با استفاده از آزمون تی، به بررسی تفاوت کودکان محبوب و غیر محبوب، در متغیر فرآیند خانواده پرداخته می شود.

جدول ۴- آزمون t مستقل مربوط به فرآیند خانواده کودکان محبوب و غیر محبوب

متغیر وابسته	گروه	میانگین	انحراف معیار	T	Df	$P <$
تصمیم‌گیری و حل مساله	غیر محبوب ($N=۸۵$)	۱/۷۸	۰/۲۸	-۷۵/۲۵	۱۸۵	۰/۰۰۱
	محبوب ($N=۱۰۲$)	۴/۳۸	۰/۱۷			
مهارت مقابله	غیر محبوب ($N=۸۵$)	۲/۲۸	۰/۱۳	-۸۴/۹۷	۱۸۵	۰/۰۰۱
	محبوب ($N=۱۰۲$)	۴/۱۷	۰/۱۷			
انسجام و احترام متقابل	غیر محبوب ($N=۸۵$)	۱/۹۱	۰/۱۲	-۱۲۰/۰۴	۱۸۵	۰/۰۰۱
	محبوب ($N=۱۰۲$)	۴/۲۷	۰/۱۵			
مهارت‌های ارتباطی	غیر محبوب ($N=۸۵$)	۱/۹۶	۰/۷۵	-۲۴/۰۸	۱۸۵	۰/۰۰۱
	محبوب ($N=۱۰۲$)	۳/۹۴	۰/۱۶			
باور مذهبی	غیر محبوب ($N=۸۵$)	۲/۳۰	۰/۰۷	-۱۱۵/۹۲	۱۸۵	۰/۰۰۱
	محبوب ($N=۱۰۲$)	۳/۵۹	۰/۰۸			

در جدول ۵ با استفاده از آزمون t ، به بررسی تفاوت کودکان محبوب و غیر محبوب، در متغیر محتوای خانواده پرداخته می‌شود.

جدول ۵- آزمون t مستقل مربوط به محتوای خانواده کودکان محبوب و غیر محبوب

متغیر وابسته	گروه	میانگین	انحراف معیار	T	Df	$P <$
شغل و تحصیلات	غیر محبوب ($N=۸۵$)	۲/۱۵	۰/۵۹	-۳۳/۶۴	۱۸۵	۰/۰۰۱
	محبوب ($N=۱۰۲$)	۴/۴۹	۰/۲۷			
زمانی برای با هم بودن	غیر محبوب ($N=۸۵$)	۲/۷۴	۰/۱۵	۷/۷۰	۱۸۵	۰/۰۰۱
	محبوب ($N=۱۰۲$)	۲/۹۳	۰/۲۰			
منابع مالی	غیر محبوب ($N=۸۵$)	۲/۳۵	۰/۱۶	-۹۴/۷۰	۱۸۵	۰/۰۰۱
	محبوب ($N=۱۰۲$)	۴/۰۰	۰/۰۰			
ظاهر بدنی و منزلت اجتماعی	غیر محبوب ($N=۸۵$)	۲/۱۸	۰/۱۲	-۵۶/۱۵	۱۸۵	۰/۰۰۱
	محبوب ($N=۱۰۲$)	۳/۵۶	۰/۲۱			
سلامت جسمی و روانی	غیر محبوب ($N=۸۵$)	۲/۳۴	۰/۴۰	-۴۰/۱۴	۱۸۵	۰/۰۰۱
	محبوب ($N=۱۰۲$)	۴/۳۹	۰/۲۸			
فضای زندگی	غیر محبوب ($N=۸۵$)	۱/۹۸	۰/۲۴	-۴۲/۵۷	۱۸۵	۰/۰۰۱
	محبوب ($N=۱۰۲$)	۳/۶۳	۰/۲۹			
تسهیلات تحصیلی	غیر محبوب ($N=۸۵$)	۲/۲۹	۰/۹۴	-۲۴/۲۳	۱۸۵	۰/۰۰۱
	محبوب ($N=۱۰۲$)	۴/۷۷	۰/۱۶			

بنابر نتایج به دست آمده در جداول ۴ و ۵، دو گروه کودکان محبوب و غیر محبوب تفاوت معناداری در تمامی ابعاد بافت و محتوای خانواده با یکدیگر داشتند. بدین معنی که کودکان محبوب بافت و محتوای خانواده سالم‌تری نسبت به کودکان غیر محبوب داشتند.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، برای پاسخ‌گویی به این سوال که آیا کودکان محبوب و غیر محبوب، تفاوت معناداری در فرآیند و محتوای خانواده دارند؟ فرآیند و محتوای خانواده‌های کودکان محبوب و غیرمحبوب، مورد مقایسه قرار گرفت و بر اساس یافته‌های به دست آمده، فرضیه‌ی پیشنهادی در این پژوهش، تایید شد. بدین معنی که کودکان محبوب، بافت و محتوای خانواده سالم‌تری نسبت به کودکان غیر محبوب داشتند.

در بیان چرایی این مساله، می‌توان به آنچه در جریان پژوهش و ارتباط با والدین کودکان محبوب و غیر محبوب نیز به وضوح مشخص بود، اشاره کرد. از جمله اختلال در برخی ابعاد فرآیند و محتوای خانواده‌ی کودکان غیر محبوب. از ویژگی‌های خانواده این کودکان می‌توان تعارض زناشویی، جدایی والدین، استفاده از شیوه‌های تربیتی همراه با تنبیه و عدم استفاده از تشویق، عدم مشارکت والدین در امور مربوط به فرزندان، نبود تعامل و گفت و شنود مثبت بین افراد خانواده، وجود اختلالات رفتاری والدین، مانند پرخاشگری و افسردگی، شیوه‌های فرزندپروری نامناسب، دلبستگی‌های نایمن کودک به والدین، اختلال عاطفی والدین و کمال‌گرایی‌های منفی والدین را نام برد. عوامل بالا موجب پرورش کودک در محیطی می‌شود که نه تنها والدین الگوی مناسب اخلاقی و رفتاری برای فرزندان خود نیستند، بلکه فرصتی جهت آموزش مهارت‌های زندگی به کودکان باقی نمی‌ماند و کودکان با مهارت‌های اجتماعی بسیار ضعیف و همراه با اختلالات رفتاری فراوان رشد می‌کنند. همچنانکه قبلاً توضیح داده شد، اینگونه کودکان در هر جمعی که قرار بگیرند؛ قدرت سازگاری، حل مشکل و برقراری ارتباط مناسب را ندارند. این کودکان با رفتارهای نامناسب موجب ایجاد تعارض و آشفتگی شده و در نتیجه از هر جمعی طرد شده و غیر محبوب واقع می‌شوند.

در مقابل، جوّ خانوادگی کودکان محبوب کاملاً متفاوت است؛ والدین کودکان محبوب در مواجهه با اشتباهات فرزندان خود، از راهکارهایی مانند توضیح علت اشتباه بودن اعمال و رفتار فرزندان، توجه به نظر و دیدگاه فرزندان و عدم استفاده از رفتارهای پرخاشگرانه در قالب رفتار تنبیهی استفاده می‌کنند. والدین کودکان محبوب در مراودات روزانه‌ی خود کمتر دچار تعارض و درگیری با یکدیگر می‌شوند و بدین ترتیب مناسب‌ترین روش در برخورد با مشکلات تربیتی فرزندان خود را به کار می‌گیرند. در واقع انتخاب نوع روش برخورد با فرزندان، به شدت وابسته به مهارت‌های بین فردی میان فرزندان و والدین است. بدین ترتیب والدین نقش بهترین الگو را در برخورد و رفتار با دیگران

و چگونگی حل تعارضات برای فرزندان خود در اجتماع بازی می‌کنند. وجود و پرورش این قابلیت‌ها در والدین، می‌تواند موجب محبوبیت کودکان آنها شود.

نتیجه‌ی پژوهش حاضر در زمینه‌ی بافت و محتوای خانواده، با نتایج پژوهش کوی و دوج (۱۹۹۸)، روبین (۱۹۹۸)، مک کویی (۱۹۸۳)، کمپل (۱۹۹۴)، همسو و با نتایج پژوهش فیروزی (۱۳۹۰) ناهمسو است.

از جمله محدودیت‌های این پژوهش عبارت بودند از:

- مدیران مهد کودک، پس از اطلاع یافتن از موضوع پایان‌نامه و این که قرار است کودکان به دو دسته‌ی محبوب و غیر محبوب تقسیم بندی شوند، به سختی حاضر به همکاری بودند. همچنین به دلایل تبلیغاتی و رقابت با دیگر مهد کودک‌ها، حاضر به معرفی کودکان غیر محبوب نبودند.
- مربیان نیز به سختی، احساس واقعی خود نسبت به کودکان کلاس را ابراز می‌کردند و از بیان غیر محبوب بودن کودکان واهمه داشتند.

- در جریان پژوهش، بسیاری از والدین حاضر به پاسخ‌گویی به سوالات نبودند.

با توجه به نتایج پژوهش، می‌توان به این پیشنهادهای کاربردی و پژوهشی رسید:

- از آنجایی که این پژوهش، با کودکان ۴ تا ۶ ساله‌ی شهر شیراز انجام شد؛ پژوهش‌های مشابهی در دیگر مناطق کشور و همچنین روستاهایی که تحت آموزش‌های خاصی نیستند، تکرار شود.

- این پژوهش، در دیگر مقاطع سنی تکرار شود.

- پژوهش حاضر به صورت پژوهش طولی پیگیری شود.

- طراحی برنامه‌های آموزشی از طرف مهد کودک برای خانواده‌ی کودکان غیر محبوب، به منظور آشنایی والدین با سبک‌های تربیتی و اطلاع‌رسانی به والدین، پیرامون تاثیرات ساختار معیوب خانواده بر روابط کودکان و در پی آن زندگی آینده‌ی آنها و همچنین ارائه‌ی راهبردهای پیشگیرانه‌ی مناسب و اصلاح این ساختار.

منابع

- احدی، ح. ارجمند، ا. (۱۳۸۸). رویکردی نظری بر شاخص‌های روانشناختی خانواده سالم، مقاله اصلی. بهبهانی، م. سامانی، س. (۱۳۸۸). بررسی الگوهای ارتباطی در گونه‌های مختلف خانواده بر اساس مدل فرآیند و محتوای خانواده، مقاله اصلی.
- جعفری، م. (۱۳۸۸). مقایسه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در گونه‌های مختلف خانواده بر اساس مدل فرآیند و محتوای خانواده، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، شیراز.
- سامانی، س. (۱۳۷۵). بررسی اعتبارات و قابلیت اعتماد فرم کوتاه شدن مقیاس رفتاری کودکان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، تهران.
- سامانی، س. فولاد چنگ، م. (۱۳۸۵). روانشناسی نوجوانی، شیراز، انتشارات ملک سلیمان.

- سامانی، سیامک. (۱۳۸۹). سبک های والدگری در گونه های مختلف خانواده در مدل فرآیند و محتوای خانواده، خانواده پژوهی، شماره ۲۲.
- صالحی، ص. (۱۳۸۸). انگیزش تحصیلی در گونه های مختلف خانواده بر اساس مدل فرآیند و محتوای خانواده، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، شیراز.
- فیروزی، ف. (۱۳۹۰). شناسایی ویژگی های روان شناختی کودکان مقبول و ممتروود، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، مرودشت.
- Larson, J. 2000. The relationship between perceived dysfunctional family of origin rules and intimacy In young adult dating relationship. *Journal of Sex and Marital Therapy*, 26, 2, 161-175
- Coie, J.D., Dodge, K.A., 1998. Aggressional and antisocial behavior. In W. Damon & N. Eisenberg (Eds.), *Handbook of child psychology* 5th. Ed pp. 779-861 NEW YORK: Wiley.
- Erikson, M., Sroufe, L. A., & Egeland, B., 1985. The relationship between quality of attachment and behavior problems in preschoolers in a high risk sample. In Bretherton & E. Waters (Eds.), *Growing points in attachment theory. Monographs of the Society of Child Development*, 50, 1-2, serial 209.
- Greenberg, M.T., & Speltz, M.L., & Deklyen, M., & Endriga, M.C., 1992. Attachment security in preschoolers with and without externalizing behavior problems: A replication. *Development and Psychopathology*, 3, 413-430.
- Rubin, H. & Chen, R. & Coplan, A., 2005. Peer Relationships in childhood, *Journal of School and Psychology*, 28-36
- Samani, S. (2010). Family Types in Family Process and Content Model. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 5, 727-732.